

نماز باران

و کارکردهای آن در سیره رضوی

دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۵ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰
حسین رحمانی زاده^۱، معصومه غنی لو^۲

چکیده

یکی از وجوه درخشان سیره امام رضا (علیه السلام) که در تاریخ گزارش شده است، نماز بارانی است که حضرت در زمان اقامتشان در خراسان اقامه فرمودند. این رویداد اهمیت بسیار زیادی دارد و از جوانب مختلف می تواند تحلیل و بررسی شود؛ هم از بُعد عبادی تربیتی و هم از بُعد سیاسی اجتماعی. از همین رو، توجه به ابعاد مختلف این بخش از سیره امام رضا (علیه السلام) می تواند راهگشای بسیاری از مسائل مورد ابتلا در جامعه اسلامی باشد.

در این مقاله سعی شده است ضمن بازخوانی واقعه تاریخی نماز باران امام رضا (علیه السلام) کارکردها و آثار نماز باران مبتنی بر سیره آن حضرت در دو بُعد کارکردهای سیاسی اجتماعی و کارکردهای عبادی تربیتی بررسی و تبیین شود. یافته های این پژوهش که به اعتبار ماهیت و روش «تحلیلی- توصیفی» و به اعتبار موضوع «تاریخی- روایی» است، نشان می دهد مبارزه فرهنگی با نظام طاغوت، ایجاد وحدت و نشاط اجتماعی، نشر توحیدباوری و گرایش عمومی به دین، از جمله کارکردهای نماز باران در سیره رضوی است.

کلیدواژه ها:

آب، باران، استسقا، نماز باران، امام رضا (علیه السلام).

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان. ایران (نویسنده مسئول): sobhan756@yahoo.com
۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان. ایران: ghanilou@yahoo.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

«آب مایه حیات است» جمله‌ای مشهور و کلیدی است؛ یعنی اینکه حیات و زندگی بدون آب نمی‌تواند تحقق پیدا کند. آب از دیرباز و از بدو پیدایش حیات، نقش اساسی در ادامهٔ زندگی و طبیعتاً موجودیت انسان ایفا کرده است. در شرایط امروز جهان، بحران آب بیش از هر زمان دیگری به دغدغهٔ جدی جوامع بشری تبدیل شده است. در کشور ما نیز مسئله کمبود آب به‌طور جدی مطرح است. افزون بر اینکه باید عزمی جدی برای اصلاح الگوی مصرف آب در کشور شکل بگیرد، توجه به ابعاد دینی این مسئله نیز ضروری است. طبق آموزه‌های دینی، دلایلی برای خشکسالی و کم‌آبی و نیز راهکارهایی برای رفع آن بیان شده است. قرآن کریم آغاز آفرینش انسان را از آب دانسته است: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا» (و اوست کسی که از آب بشری آفرید) (فرقان/۵۴). قرآن مجید نه تنها انسان، که مبدأ آفرینش هر جنبنده‌ای را آب معرفی کرده است: «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّنْ مَّاءٍ» (و خداست که هر جنبنده‌ای را [ابتدا] از آبی آفرید) (نور/۴۵). خداوند در قرآن به‌صورت عام و کلی‌تر بیان می‌کند که هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» (و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم) (انبیاء/۳۰).

در آیات قرآن به نقش باران در زنده کردن زمین (فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا/ روم: ۲۴)؛ روزی رساندن به انسان‌ها از طریق رویاندن گیاهان (فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ/ بقره: ۲۲)؛ فراهم آوردن آب آشامیدنی (مِنْهُ شَرَابٌ/ نحل: ۱۰)؛ پاک‌کنندگی (وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا/ فرقان: ۴۸) و برکت‌زا بودن (وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا/ ق: ۹) اشاره شده است. همچنین قرآن باران را نعمتی خداداد و نشانی از قدرت خدا معرفی کرده و بارها منکران خدا و معاد را به توجه به این آیه فرا خوانده است: «أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» (یا آن کس که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد و برای شما آبی از آسمان فرود آورد...) (نمل/۶۰).

تقدیر الهی بر این قرار گرفته است تا برکاتش از آسمان در قالب قطره‌های

باران بر زمین تشنه نازل شود. از این رو، همواره بشر در طول تاریخ چشم بر آسمان و ابرهای بارانی اش داشته تا نصیبی از این نزول داشته باشد. در فراز و فرود زندگی حیات بشر گاه آدمی شاهد قحطی و یا کاهش نزول باران بوده است. در این زمان است که اهمیت آب برایش هویدا گشته است و آن جاکه دستش از همه جا کوتاه است، دست یاری به سوی پروردگارش بلند کرده و از او استمداد می‌کند.

در ملل و ادیان مختلف جهان می‌توان شواهدی از آیین‌های درخواست باران یافت که هر یک به شیوه‌ها و طرق مختلفی صورت می‌گرفته است. در اسلام نیز نماز باران یا استسقا، سنتی برجای مانده از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) است که در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) و پس از آن در طول تاریخ توسط علما و اولیاء الله اقامه شده است. در شرایط کنونی که جامعه جهانی و به ویژه کشور عزیزمان با بحران کم‌آبی مواجه شده است، لزوم توجه به این سنت دینی دیرینه، بیش از پیش احساس می‌شود.

یکی از باشکوه‌ترین نمازهای باران در طول تاریخ، نمازی است که حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در زمان اقامتش در خراسان اقامه فرمودند. این رویداد به اندازه‌ای مهم است که از جوانب مختلف می‌تواند تحلیل و بررسی شود؛ هم از بُعد عبادی تربیتی و هم از بعد سیاسی اجتماعی. از همین رو، توجه به ابعاد مختلف این بخش از سیره امام رضا (علیه السلام) می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل مورد ابتلا در جامعه اسلامی باشد.

در این مقاله سعی شده است ضمن بازخوانی واقعه تاریخی نماز باران امام رضا (علیه السلام) کارکردها و آثار نماز باران مبتنی بر سیره آن حضرت بررسی و تبیین شود.

۲. پیشینه تحقیق

در بررسی اولیه و اجمالی در باره نماز باران امام رضا (علیه السلام) مشخص می شود این موضوع به عنوان یک تحقیق مستقل، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. آنچه موجود است اشاره به اصل واقعه تاریخی در منابع روایی و تاریخی است. در دهه های اخیر نیز این جریان تاریخی در قالب داستان هایی برای گروه سنی کودک و نوجوان بازآفرینی شده است. مانند کتاب های قصه هایی از امام رضا (علیه السلام)، «چهل داستان از امام رضا (علیه السلام)، باران دوشنبه و... البته آثاری درباره پیشینه باران خواهی و نماز باران در سیره و سنت انبیا و ائمه اطهار (علیهم السلام) وجود دارد که در این مقاله به آنها اشاره خواهد شد.

۳. روش تحقیق

در این تحقیق، روش و ابزار جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای بوده است که از طریق بررسی روایات و اسناد موجود در منابع و متون روایی و تاریخی محقق شده است. این تحقیق به اعتبار ماهیت و روش «تحلیلی-توصیفی» و به اعتبار موضوع «روایی-تاریخی» است.

۴. بررسی مفاهیم کلیدی

۴-۱ آب

در تعریف علمی آن گفته اند: ماده ای ترکیب یافته از دو واحد هیدروژن و یک واحد اکسیژن (H_2O) است. (شریف عدنان، ۱۹۹۰، ج ۱: ۱۰۳) و حکیمان قدیم، آن را یکی از چهار عنصر تشکیل دهنده ماده می دانستند. برابر عربی آن «ماء» است و ۶۳ بار در قرآن آمده است. کافی است آیتی را که در آنها به آب اشاره شده است کنار هم قرار

دهیم تا اهمیت و جایگاه آن در قرآن مشخص شود. در قرآن کریم آب منشأ حیات، نعمت و آیت الهی معرفی شده است که روزی تمامی موجودات از آن نشأت می‌گیرد.

قرآن کریم برای اشاره به مبدأ آب یعنی باران از دو کلیدواژه «غیث» و «مطر» بهره برده است. شماری از لغت‌شناسان و مفسران نوشته‌اند «غیث» به باران سودمند یا بارانی که در پی کم‌آبی می‌بارد، گفته می‌شود؛ اما «مطر» نام عام باران است و برای باران‌های مفید کمتر به کار می‌رود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۳۱). در آیات ۳۴ از سوره لقمان، ۲۸ از سوره شوری و ۲۰ از سوره حدید واژه «غیث» به کار برده شده است.

در چشم‌انداز نخست از سوره لقمان، نزول غیث به‌عنوان یکی از حلقه‌های به‌هم‌پیوسته زنجیره حکمت فراگیر خدا شمرده شده است؛ حکمتی که شمول دانش آن افق تا افق خلق و امر را درنوردیده است. در این آیه، علم به کم و کیف قیامت، نزول باران و علم به موجودیت نطفه منعقدشده در رحم، سه حلقه از زنجیره به‌هم‌پیوسته این منظر از مناظر حکمت خداوند به‌شمار آمده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ» (در حقیقت خداست که علم [به] قیامت نزد اوست و باران را فرو می‌فرستد و آنچه را که در رحم‌هاست می‌داند...) (لقمان/۳۴). در سوره شوری نیز فرآیند تنزیل (نزول تدریجی) نشانه‌ای از انتشار رحمت خدا و مصداقی از ظهور امدادهای ربانی بعد از گسستن تمامی رشته‌های امید و رستگاری تفسیر شده است: «وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ» (و اوست کسی که باران را پس از آن که [مردم] نومید شدند فرود می‌آورد و رحمت خویش را می‌گسترده و هموست سرپرست ستوده) (شوری/۲۸).

۴-۲ استسقا

استسقا از ریشه «س-ق-ی» و به‌معنای درخواست سیراب کردن (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۸۵۸۴) یا درخواست نوشیدنی است. در اصطلاح فقهی و تفسیری درخواست

آب (باران) از خداوند، هنگام خشکسالی است (جزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۳۵۸).

از این لغت ۲۷ مورد در قرآن مجید ذکر شده است. استسقا به حسب اینکه در باب «استفعال» آمده است به معنای طلب آشامیدن و یا طلب آب و باران است و در اصل به عمل یا آیینی گفته می‌شود که در زمان‌های قحطی یا کاهش نزول باران توسط ملل مختلف صورت می‌گیرد.

در استحباب استسقا، اختلافی بین فقیهان نیست. تنها ابوحنیفه این استحباب را منکر شده است (نجفی، ۱۴۳۲ق، ج ۱۲: ۱۲۷). درخواست باران از خداوند هنگام بروز خشکسالی، با اقامه نماز استسقا، دعا کردن در خطبه‌های نماز جمعه، عید قربان و فطر، پس از نمازهای واجب روزانه و یا بیرون رفتن امام با مردم به صحرا و دعا کردن، مستحب است (همان: ۱۵۲) هر چند طلب باران با اقامه نماز استسقا، افضل است (حلی، ۱۴۰۰ق، ج ۴: ۲۲۱). از غسل‌های مستحب، غسل برای طلب باران است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۶۳).

۴-۳ کیفیت نماز باران و مسائل فقهی پیرامون آن

امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می‌فرماید: «کیفیت آن نظیر کیفیت نماز عید، دو رکعت است که به جماعت برگزار می‌شود و فرادی خواندنش نیز به امید اینکه مستحب باشد، اشکالی ندارد.

«در نماز باران بعد از حمد و سوره رکعت اول پنج بار تکبیر می‌گوید و بعد از هر تکبیر قنوت می‌گیرد و در رکعت دوم بعد از حمد و سوره، چهار تکبیر و بعد از هر تکبیر یک قنوت انجام می‌دهد و در قنوت‌های نماز باران هر دعایی که بخواند کافی است. البته بهتر است قنوت‌ها مشتمل بر طلب باران باشد از خدای رحمان و عطوف طلب کند که عطوفت و رحمتش را شامل او و مردم او بسازد و درهای آسمان را بر رحمت و باران خود بگشاید و قبل از دعا در هر قنوت نخست بر

محمد(صلی الله علیه و آله) و آل او(علیهم السلام) درود بفرستد.

«مستحبات این نماز چند چیز است: از آن جمله است بلند خواندن قرائت و خواندن سوره‌هایی که در نماز عید مستحب است(رکعت اول سوره اعلی و رکعت دوم سوره شمس و یا رکعت اول سوره شمس و رکعت دوم سوره غاشیه). دیگر آنکه مردم سه روز روزه بگیرند و بیرون رفتنشان روز سوم باشد و طوری ترتیب دهند که این روز سوم، روز دوشنبه باشد و اگر نشد، روز جمعه، دارای شرف و فضل است.

«دیگر آنکه امام به همراه مردم با آرامش و وقار و خشوع و حالت در خواست به صحرا بیرون بروند و جای پاکیزه‌ای را برای نماز انتخاب کنند و بهتر است به شکلی و وضعی خارج شوند که موجب جلب رحمت الهی شود؛ مانند آنکه پابره‌نه باشند. دیگر آنکه منبر را با خود به صحرا ببرند و مؤذن‌ها پیشاپیش امام حرکت کنند.

«دیگر آنکه با مردم، پیرمردان و پیرزنان و کودکان و چارپایان بیرون روند و میان بچه‌ها و مادرهایشان جدایی افکنند تا شیون و گریه زیاد کنند و سبب ریزش بسیار رحمت الهی گردد و کافران ذمی و غیر ذمی را نگذارند که با مردم به صحرا بروند.

«بهتر است نماز استسقا به وقت نماز عید(من طلوع الشمس الی الزوال) خوانده شود؛ اگرچه بعید نیست که وقت معینی نداشته باشد.

«برای این نماز، اذان و اقامه نیست؛ بلکه مؤذن عوض آنها سه مرتبه «الصلاه» می‌گوید. مستحب است وقتی که امام از نماز فارغ شد، عباي خود را پشت و رو کند تا قسمت راست آن روی شانه چپ قرار گیرد و بر منبر رود و رو به قبله کند و صدمرتبه با صدای بلند «الله اکبر» گوید. سپس به مردم طرف راستش نگاه کند و صدمرتبه با صدای بلند «سبحان الله» بگوید و سپس به مردم طرف چپ نگاه کند و صدمرتبه با صدای بلند «لا اله الا الله» بگوید و سپس رو به مردم کند، صدمرتبه خدا را حمد نماید و متابعت مردم از امام در این ذکرها حتی در بلندگفتن مانعی ندارد...»

«سپس امام دست‌ها را بلند کرده، دعا می‌کند و مردم دعا می‌کنند و مانعی

ندارد که مردم به دعاهای امام آمین بگویند. سپس امام خطبه می‌خواند و در تضرع و طلب عطف الهی مبالغه و کوشش فراوان می‌نماید.» (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۴۵).

همچنین بهتر است از خطبه‌هایی که از معصومان (علیهم‌السلام) نقل شده استفاده شود. مانند آنچه از حضرت علی (علیه‌السلام) (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۵۲۷؛ محمودی، ۱۴۱۸ق، ج ۶: ۲۶۸) و امام سجاد (علیه‌السلام) در دعای ۱۹ صحیفه سجادیه، نقل شده است.

«بهتر است در این نماز دو خطبه مثل نماز عید فطر و قربان بخواند و خطبه دومی را رجاء به جای آورد. همان‌طور که خواندن این نماز موقع کم‌شدن باران جایز است، خواندن آن به هنگام خشک‌شدن چشمه‌ها و چاه‌ها نیز جایز است. اگر اجابت دعا به تأخیر افتاد، بیرون رفتن (برای نماز) را تکرار می‌کنند تا رحمت خدا - ان شاء الله تعالی - آنها را دریابد و اگر اجابت نفرماید، حتماً برای مصالحی است که خداوند به آنها عالم است و برای ما حق اعتراض نیست و نباید از رحمت خدای تعالی مأیوس شویم. همچنین جایز است نماز و دعا را پشت سر هم تکرار کنند و به همان سه روز روزه اکتفا نمایند و (جایز است) پشت سر هم نباشد که سه روز دیگر، رجاء روزه بگیرند (و به صحرا روند)، بلکه تکرار کردن نماز استسقا را هم، رجاء انجام دهند.» (موسوی خمینی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: ۲۷۸)، هر چند برخی از فقها بر استحباب تکرار نماز باران تصریح دارند (رک: جواهرالکلام، ۱۴۳۲ق، ج ۱۲: ۱۵۱-۱۵۰).

همان‌گونه که اشاره شد، نماز باران هم به صورت جمعی و هم به صورت فرادی مستحب است. به علاوه، در صورت مستجاب‌نشدن فوری، تکرار آن استحباب دارد. شاید به صلاحی که خدا می‌داند و ما نمی‌دانیم، فوراً درخواست اجابت نشده است. نکته دیگر اینکه در صورت عدم اجابت فوری، لزوماً آبروی کسی نمی‌رود.

۴-۴ سیره

به‌منظور دریافت و تفسیر دقیق سیره پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت (علیهم‌السلام) شایسته است ابتدا معنای لغت «سیره» را دریابیم. راغب اصفهانی سیره را به‌معنای حالتی دانسته که انسان یا غیر انسان بر آن حالت باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۴۸). در لسان‌العرب نیز آمده است: سیره از کلمه «سیر» به‌معنای رفتن است و خود کلمه سیره به‌معنای روش و رفتار و سنت و طریقت و هیأت است (ابن‌منظور، ۱۳۶۳، ج ۶: ۳۹۹).

در این‌باره شهید مطهری می‌نویسد: «سیره در زبان عربی از ماده سیر» است. سیر یعنی حرکت، رفتن، راه‌رفتن، «سیره» یعنی نوع راه‌رفتن، سیر یعنی رفتن، رفتار، ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار. آنچه مهم است، شناخت سبک رفتار است (مطهری، ۱۳۸۸: ۴۷).

بنابراین، سیره پیغمبر یعنی روشی که پیغمبر در عمل برای مقاصد خودش به کار می‌برد. اینکه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) چه زمانی و کجا به‌دنیا آمد و چه کرد و چه مقاصدی داشت، مورد نظر نیست. آنچه در این اجمال مورد نظر ماست، سبک و روش پیغمبر است (همان: ۵۲).

بر اساس تعریف فوق، منظور از سیره امام‌رضا (علیه‌السلام) روش و سیره زندگی آن حضرت و مؤلفه‌های بنیادینی است که در سبک زندگی ایشان ظهور و بروز داشته است.

۵. پیشینه نماز باران

خشکسالی و کمبود آب یکی از مشکلات خاصی است که از زمان باستان تاکنون، گریبانگیر انسان بوده است. این مشکل، به‌خصوص وقتی که میزان نزولات جوئی از

حد معمول کمتر می‌شود، مشکلات بیشتری را برای مردم به‌وجود می‌آورد. اقوام و ملت‌های گوناگون، بنا بر آداب و رسومی که از گذشتگان و نیاکان خود به ارث برده‌اند، در چنین شرایطی مراسمی خاصی را برگزار و از آفریننده جهان هستی، تقاضای نزول باران می‌کنند.

با مطالعه عمیق و وسیع در آداب و رفتار ملل مختلف می‌توان به‌روشنی دریافت که بنا به باورهای دینی و وضعیت اقلیمی، هر ملتی مراسم مخصوصی برای طلب باران دارد که از گذشته‌های دور در بین آن قوم رواج داشته است. به چنین مراسمی «آیین‌های باران‌خواهی» گفته می‌شود.

در حوزه‌های گوناگون فرهنگی و با توجه به جغرافیای بومی آیین‌ها، باورداشت‌های گوناگونی درباره آب مشاهده می‌شود.

برای مردمی که در مناطق خشک و کم‌آب زندگی می‌کنند، نزول باران امری حیاتی است. «بعل» خدای بزرگ کوچ‌نشینان سوری فلسطینی «سوارکار ابرها» خوانده می‌شد و او را همچون تقسیم‌کننده نعمت‌ها پرستش می‌کردند. عبرانیان کهن باران را به‌صورت مخزنی تصور می‌کردند که در آسمان قرار دارد و معتقد بودند کسانی که خدا را دوست بدارند و از قوانین الهی اطاعت کنند، خداوند به آنها نعمت و برکت می‌بخشد و برایشان باران نازل می‌کند و کسانی که گناه کنند، خداوند نعمت باران را از آنان دریغ می‌دارد.

۵-۱ رسوم اعراب جاهلی در طلب باران

اعراب جاهلی نیز برای نزول باران به شیوه‌های گوناگون متوسل می‌شدند. اهالی بلقاء بُت‌هایی را می‌پرستیدند و به شفاعت آنها باران طلب می‌کردند. پیش از ظهور اسلام، در میان اقوام سامی مانند بابلیان، عبرانیان، نبطیان و قبایل ساکن عربستان

مرکزی، الله، خالق آسمان‌ها و نازل‌کننده باران، شناخته و نیایش می‌شد (ابن کلبی، ۱۳۴۸: ج ۱: ۷). در سرزمین شام و حجاز، هرگاه باران نمی‌بارید، مردم به مکه می‌آمدند و در آن‌جا قربانی و از خدا طلب باران می‌کردند. خداوند حاجتشان را، هر چند که کافر بودند، روا می‌کرد (طبری، ۱۳۵۳: ج ۱: ۱۵۶).

گذشته از ستایش بت‌ها و باران‌خواهی از آنها، رسم آتش‌افروزی یا «تارالاستمطار» نیز از رسم‌های باران‌خواهی در میان عرب‌های جاهلی بوده است. وقتی باران نمی‌آمد و قحطی مردمان را تهدید می‌کرد، پیران قوم و کاهنان مراسم «تارالاستمطار» برپا می‌کردند؛ بدین ترتیب که به دُم و پاهای گاوهای ماده دسته‌هایی هیزم از شاخه‌های درخت «سَلَع» و ساقه‌های «عُشَر» می‌بستند و آنها را به کوه می‌بردند. در بالای کوه، هیزم‌ها را آتش می‌زدند. گاوها وحشت‌زده و مضطرب به این سو و آن سو می‌دویدند. گاه برای جولان بیشتر، به شاخ گاوها نیز از شاخه‌های عشر و پوسته‌های سلع می‌بستند و آتش می‌زدند (نویری، ۱۳۸۹: ج ۱: ۱۰۹-۱۱۰).

اینان چنین می‌پنداشتند که الهگان یا موکلان باران به سبب قداست گاو و اضطراب و ناراحتی آنها به‌زودی باران فروخواهند فرستاد. علاوه بر این، در بالای کوه، آتشی عظیم می‌افروختند و به تقلید از رعد و برق، سر و صدا و هیاهو به‌راه می‌انداختند (نوری، ۱۳۴۶: ج ۱: ۵۰۱-۵۰۵).

با ظهور اسلام این رسم‌ها کنار گذاشته شد، زیرا در قرآن تصریح شده است که باران به امر خدا می‌بارد (نک: روم، آیات ۳۰ تا ۴۸).

۵-۲ باران‌خواهی در ایران پیش از اسلام

در آثار الباقیه آمده است که در زمان فیروز، جد انوشیروان، چند سال باران نبارید و مردم به خشکسالی افتادند. سرانجام فیروز به آتشکده رفت و در آن‌جا نماز خواند و سجده کرد و از خدا خواست که بلای خشکسالی را برطرف کند. پس از بیرون‌شدن

فیروز از آتشکده و رسیدن به صحرایی که امروز روستای کامفیروز در آن جاست، ابری از آسمان برخاست و چندان بارید که مانند آن تا آن روز دیده نشده بود و آب همه جا را فرا گرفت و بدین ترتیب، دعای فیروز برآورده شد (بیرونی، ۱۳۶۳: ج ۱: ۳۵۴-۳۵۵).

۵-۳ طلب باران در اُمّت‌های پیشین

واژه استسقا فقط دو بار در قرآن آمده است: آنجا که قرآن استسقای حضرت موسی (علیه السلام) و شکافتن ۱۲ چشمه را بر اثر زدن عصا به سنگ، پس از درخواست بنی اسرائیل، بیان می‌کند: «وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا» (و هنگامی که موسی برای قوم خود در پی آب برآمد گفتیم با عصایت بر آن تخته سنگ بزن پس دوازده چشمه از آن جوشیدن گرفت...) (بقره/۶۰). «وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا» (و آنان را به دوازده عشیره که هر یک امتی بودند تقسیم کردیم و به موسی وقتی قومش از او آب خواستند وحی کردیم که با عصایت بر آن تخته سنگ بزن پس از آن دوازده چشمه جوشید...) (اعراف/۱۶۰). ابومسلم گفته است: معنای استسقا طبق عادت مردم، درخواست باران است؛ بنابراین، انفجار سنگ و جوشش معجزه آسای آب به دست موسی (علیه السلام) از اجابت دعای ایشان فراتر است. (فخر رازی، ۱۹۹۷، ج ۳: ۹۵)

خداوند در سوره هود بیان می‌کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) این قوم خود را برای نزول باران، به استسقا فرا خواند: «يَقُومُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» (و ای قوم من از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید و تبه‌کارانه روی بر مگردانید) (هود/۵۲). برخی گفته‌اند: قوم هود به خشکسالی و کمبود آب گرفتار شدند و این آیه به استسقای ایشان اشاره دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۲۵۸).

همین مطلب در جای دیگر از نوح نیز نقل شده است که از مردم خواست تا برای نزول باران رحمت نیایش کنند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۴۳/۱۰): «قُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» (و گفتم از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است * [تا] بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد) (نوح/۱۰-۱۱).

از آیات پیشین و روایات، استفاده می‌شود که استسقا در امت‌های پیشین نیز بوده است.

۵-۳-۱ جریان دعای مورچگان برای باران

در حدیث نقل شده است: روزی حضرت سلیمان با اصحاب خود برای نماز باران بیرون می‌رفت. در راه، به مورچه‌ای برخورد که یکی از پاهایش را به آسمان بلند کرده و می‌گوید: خدایا! ما مخلوقات ضعیف تو هستیم و از روزی تو بی‌نیاز نیستیم، پس به سبب گناهان بنی‌آدم، ما را به هلاکت مرسان. حضرت سلیمان (علیه‌السلام) به اصحاب خود فرمود: برگردید! همانا به‌خاطر دعای غیر خودتان سیراب خواهید شد!... (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۵۲۴).

این روایت از جهات مختلفی قابل تأمل است. نخست، برخلاف باور عمومی و طبق صریح آیات قرآن تمامی موجودات متناسب ظرفیت وجودی خود، از شعور توحیدی برخوردارند و پیوسته در حال تسبیح و تقدیس باری تعالی هستند (نک: اسراء/۴۴؛ جمعه/۱؛ صف/۱؛ حشر/۱؛ حدید/۱). نکته دوم اینکه باید دقت داشته باشیم شاید بسیاری از برکات و نعماتی که ما انسان‌ها در طول زندگی خود برخوردار می‌شویم، از دعا و تسبیح دیگر موجودات و حیوانات است. کما اینکه مشاهده شد قوم حضرت سلیمان (علیه‌السلام) به‌واسطه دعای مورچه‌ها از نعمت باران بهره‌مند گردیدند.

۵-۳-۲ قضیه دعای فرعون برای آب

در حدیث است از قول امام صادق (علیه السلام) که یاران فرعون از کاهش آب نیل پیش او سخن گفتند و اظهار کردند که این باعث هلاکت ما خواهد شد. فرعون از آنان خواست که آن روز برگردند.

شب که شد، به میان رود نیل رفت و دست به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! می دانی که می دانم، که جز تو، کسی توان آب آوردن ندارد، پس به ما آب بده». صبح که شد، رود نیل فوران زد و سرشار از آب شد (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۵۲۶).

فرعون مستکبر وقتی از توسن انانیت و کبر خود پایین آمده و در پیشگاه خداوند با عظمت، اظهار خاکساری و خشوع می کند، حاجت طلب بارانش اجابت می شود. آیا چنین خدای کریم و رحیمی، دعای بندگان موحد و مؤمن خود را اجابت نخواهد کرد؟!

۵-۴ طلب باران در خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله)

درباره مراسم استسقا نزد عرب پیش از اسلام، به روایتی می توان اشاره کرد مبنی بر اینکه عبدالمطلب جدّ پیامبر (صلی الله علیه و آله) به سال قحطی، نوّه خود محمد (صلی الله علیه و آله) را بر دوش گرفت و با دعا به درگاه خداوند، طلب باران کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۱: ۳۳۱-۳۳۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۶، ج ۷: ۲۷۰).

همچنین بر پایه روایات، در عام الفیل مدتی در مکه باران نباریده بود و خشکسالی بیداد می کرد. مردم دچار سختی فراوانی شده بودند. جناب عبدالمطلب از فرزندش ابوطالب خواست قنداقه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را که کودکی شیرخواره بود بردارد و در کنار کعبه، خدا را به صاحب قنداقه قسم دهد تا بر مردم رحم کند و باران رحمت خود را از آنان دریغ نکند. ابوطالب قنداقه را بر سر دست گرفت و عازم مسجدالحرام

شد. کنار کعبه قنداقه را به‌سوی آسمان بر سر دست بلند کرد و گفت: «پروردگارا! به حق این کودک بارانی فراوان بر ما بار.»

ابوطالب چند بار این کار را تکرار کرد، ابتدا نسیمی وزید بعد باد تندی به حرکت درآمد. کم‌کم لکه‌های ابر در آسمان مکه ظاهر شد. سپس چنان بارانی آمد که مانند آن را مکه به‌یاد نداشت. بی‌درنگ ابوطالب قصیده‌ای از ابتدا تا آخر در وصف برادرزاده‌اش محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله) سرود که این قصیده معروف به «قصیده لامیه» است که یکی از زیباترین ابیات آن این است: «و ابيض يستسقى الغمام بوجهه / ثمال الیتمامی عصمه الارامل» (روسپیدی که ابر از چهره او آب می‌طلبد، فریادرس یتیمان و پناه بیوه‌زنان) (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱: ۳۲۶-۳۲۷ و ۳۱۵-۳۱۶ به نقل از نوادر).

جمله این روایت‌ها گویای آن است که نیایش انسان به درگاه خداوند برای طلب باران، مخصوص دین اسلام نبوده و حتی افرادی که در ظاهر با ادیان الهی عناد داشته‌اند نیز در موقع لزوم و اضطرار از خداوند طلب باران می‌کردند. نکته دیگر اینکه از نظر اسلام، دعا و نیایش فقط مخصوص انسان نیست و تمام مخلوقات در حال نیایش و تسبیح پروردگار عالمیان هستند. «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش تسبیح او می‌گوید ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید) (اسراء/۴۴).

۵-۵ نماز باران پس از ظهور اسلام

در اسلام نیز این آیین در قالب اصلی‌ترین نماد مسلمانان، یعنی نماز، به شکل «نماز باران» یا «نافله استسقا» به ظهور رسیده است و از صدر اسلام تا کنون، مسلمانان و پیشوایان و بزرگان دینی، هنگام مواجهه با خشکسالی، با روی آوردن به این آیین کهن، از درگاه خداوند، طلب نزول باران می‌کرده‌اند.

۵-۵-۱ طلب باران توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

در کتاب المنتقی در حوادث سال پنجم آمده است که در این سال مردم مدینه به خشکسالی دچار شدند و نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمدند و گفتند: ای پیغمبر خدا! باران قطع شده و درختان خشک گردیده و علوفه تمام گشته و چهارپایان و مواشی به هلاکت رسیده‌اند. از خدای خود بخواه تا برای ما بارانی بفرستد! رسول خدا بدانها فرمود: فلان روز که شد بیایید تا برای این کار بیرون برویم و همراه خود مقداری صدقه هم بیاورید.

چون روز موعود فرا رسید پیغمبر آمد و مردم نیز بیرون آمدند و همگی با حال آرامش و وقار به سوی بیابان حرکت کردند و در جایی به نماز ایستادند. چون نماز به پایان رسید، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برخاست و عبای خود را وارونه کرد و رو به مردم ایستاده، دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرد. آن‌گاه این دعا را خواند: «اللهم اسقنا و اغثنا غيثاً مغيثاً، و حياً ربيعاً، و جداً طبقاً معزقاً عاماً هنيئاً مريئاً» (الهی ما را سیراب کن و بارانی سیراب‌کننده و زندگی بهاری و سالی گوارا، پر برکت و سودمند به ما ارزانی دار).

راوی حدیث که انس بن مالک است، گوید: ما هنوز از جای برنخاسته بودیم که تکه‌های ابر ظاهر شد و به تدریج همه آسمان را ابر گرفت و باران شروع شد و یکسره تا هفت شبانه روز پیوسته باران آمد تا حدی که مردم نزد آن حضرت آمدند و گفتند: ای رسول خدا، زمین‌ها را یکسره آب گرفته و خانه‌ها ویران گشته و راه‌ها بسته شده. از خدا بخواه تا باران را از ما بگرداند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) که در آن وقت بالای منبر بود از گفتار آنها که حکایت از زودرنجی انسان در کارها می‌کرد، خندید و سپس دست‌ها را به آسمان بلند کرد و گفت: «حوالینا و لا علینا، اللهم علی رؤس الظراب و منابت الشجر و بطون الاودیة و ظهور الاکام» (پروردگارا، بر اطراف ما ببار نه بر ما، خدایا بر بالای تپه‌ها و پای درختان و شکم دره‌ها و پشت کوه‌ها!). ناگهان ابرهایی که بالای سر شهر بود از هم

باز شد و مانند حلقه و سپری دایره‌وار شهر را در بر گرفت که به اطراف می‌بارید و در شهر مدینه قطره‌ای نمی‌بارید. (رسولی محلاتی، ۱۳۹۲: ۴۷۷).

۵-۵-۲ نماز و دعای باران توسط حضرت علی (علیه السلام)

مرحوم شیخ طوسی و شیخ صدوق درباره نماز باران حضرت علی (علیه السلام) خطبه‌ای را نقل کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۳۳۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۵۱). صاحب کتاب جواهر الکلام می‌گوید: بیان این خطبه به معنای این است که نماز باران توسط امیر مؤمنان حضرت علی (علیه السلام) اقامه شده است و سپس خطبه‌ای ایراد کرده‌اند (نجفی، ۱۴۳۲ق، ج ۱۲: ۱۳۳).

دعای باران حضرت نیز در خطبه‌های ۱۱۵ و ۱۴۳ نهج البلاغه با زبانی شیوا و بیانی عالی آمده است.

۵-۵-۳ نماز باران بر طبق دستور امام صادق (علیه السلام)

«مَرّه» غلام محمد بن خالد، فرماندار مدینه در روزگار امام صادق (علیه السلام) چنین نقل می‌کند: مردم مدینه درباره نماز باران با محمد بن خالد گفتگو می‌کردند. محمد بن خالد به من گفت: به خدمت امام صادق (علیه السلام) برو و از ایشان در مورد نماز باران سؤال کن.

مرّه می‌گوید: به خدمت آن حضرت رسیدم و مسئله را خدمت ایشان عرض کردم. امام (علیه السلام) کیفیت و آداب نماز باران را بیان فرمودند. من همه را به محمد بن خالد گفتم و او طبق دستور امام صادق (علیه السلام) نماز باران را انجام داد. هنوز به شهر برگشته بودیم که باران رحمت الهی نازل شد. به هنگام بازگشت، مردم می‌گفتند: این نماز توسط امام صادق (علیه السلام) تعلیم داده شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ۲۳۸).

۵-۴-۵ نماز باران امام رضا (علیه السلام)

در ایامی که امام رضا (علیه السلام) از سوی مأمون به عنوان ولیعهد انتخاب شده بود و در خراسان به سر می برد، مدتی قحطسالی شده و باران نیامد و خشکسالی پدیدار گشت. عده ای از منافقان و حاشیه نشینان مجلس مأمون که در قلب خود نسبت به امام (علیه السلام) تعصب و حسادت داشتند، از این حادثه سوءاستفاده و شایع کردند که چون مأمون علی بن موسی (علیهما السلام) را ولیعهد خود گردانیده است و این امر را خداوند دوست ندارد، به همین جهت باران قطع شده و برکات الهی نازل نمی شود.

مأمون در روز جمعه ای خدمت امام (علیه السلام) رسید و از آن حضرت تقاضا کرد که برای نزول باران و رحمت الهی دعا کند. امام رضا (علیه السلام) قبول کردند. مأمون پرسید چه زمانی این کار را انجام می دهید؟ امام رضا (علیه السلام) فرمود: روز دوشنبه برای اقامه نماز استسقا بیرون خواهیم آمد زیرا جدم رسول الله (صلی الله علیه و آله) را به همراه امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در عالم رؤیا زیارت کردم و پیامبر (صلی الله علیه و آله) به من فرمود: پسر! تا روز دوشنبه صبر کن و سپس در آن روز به صحرا برو و از درگاه خداوند متعال طلب باران نما! خداوند باران رحمت خود را می فرستد و مردم به عظمت و عزت تو در پیشگاه خداوند پی می برند و به بزرگی مقامت واقف می گردند.

روز دوشنبه فرا رسید. مردم از خانه ها بیرون آمدند. امام رضا (علیه السلام) به صحرا رفت و مردم نیز گرد آمدند و چشم به حرکات و سکنات آن حضرت دوختند. امام دو رکعت نماز استسقا را اقامه کرد و سپس بالای منبر رفت و در خطبه، بعد از حمد و ثنای الهی فرمود: «اللهم یا رب انت عظیم حقنا اهل البیت فتوسلوا بنا کما امرت و املوا فضلک و رحمتک و توقعوا احسانک و نعمتک فاسقهم سقیاً نافعاً عاماً غیر رایث و لاضائر ولیکن ابتداء مطرهم بعد انصرافهم من مشهد هم هذا الی منازلهم و مقارهم» (خدایا! ای پروردگار من! تو حق ما اهل بیت را بزرگ شمرده ای. این مردم به

ما متوسل شده‌اند؛ همچنان که خودت فرموده‌ای و به فضل و رحمت تو امیدوارند و چشم‌انتظار احسان و لطف تو اند. اینها را از باران سودمند و فراوان و بی‌ضرر و زیان خود سیراب گردان و این باران را پس از بازگشت آنان به خانه‌هایشان نازل فرما!.

یکی از حاضران در آن اجتماع می‌گوید: به خدا سوگند همان لحظه حرکت ابرها در هوا شروع شد و رعد و برق پدید آمد، مردم به جنب و جوش افتادند که تا باران نیامده به خانه‌های خود برگردند.

حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) به آنان فرمود: آرام باشید! این ابر برای این منطقه نخواهد بارید. برای فلان ناحیه می‌رود. آن ابر رفت و ابر دیگری به همراه رعد و برق آمد. مردم دوباره خواستند حرکت کنند. امام فرمود: این ابر نیز به فلان قسمت خواهد رفت. در حدود ده ابر به همین ترتیب آمد و از فضای منطقه عبور کرد و هر بار امام (علیه السلام) فرمود: این ابر برای شما نیست. یازدهمین ابر از راه رسید. امام رضا (علیه السلام) فرمود: این ابر را خداوند متعال برای شما فرستاده است. در برابر فضل و کرم خداوند، شکر کرده و به سوی منازل خویش بازگردید تا شما به خانه نرسیده‌اید، باران نخواهد بارید.

آن گاه امام رضا (علیه السلام) از فراز منبر پائین آمده و مردم نیز به خانه‌هایشان رفتند، ابر پیوسته در هوا بود ولی نمی‌بارید تا اینکه مردم نزدیک منزل‌های خود رسیدند.

در همین هنگام بود که باران شدیدی نازل شده و تمام حوض‌ها، گودال‌ها و نهرها را پر کرد و مردم با خوشحالی تمام می‌گفتند: پسر پیامبر واقعا چه مقامی دارد! کرامت‌ها و الطاف الهی بر فرزند رسول گرامی خدا (صلی الله علیه و آله) مبارک باد.

بعد از نزول باران و سیراب شدن زمین از برکات الهی و خوشحالی مردم، حضرت رضا (علیه السلام) به میان جمعیت آمد و آنان را موعظه کرد و این‌گونه به شکرگزاری از نعمت‌های الهی به درگاه پروردگار منان دعوت نمود: مردم از خدا بپرهیزید و قدر

نعمت او را بدانید. مبدا با معصیت نعمت را از خود سلب کنید. به وسیله اطاعت و بندگی و شکر و سپاسگزاری دوام و بقای آن نعمت‌ها را بخواهید و بدانید که شما سپاس و شکر چیزی را بعد از ایمان به خدا و اعتراف به حقوق اولیای خدا از آل محمد نخواهید داشت که نزد شما محبوب‌تر از کمک به برادران دینی خود در امور دنیا باشد که وسیله رسیدن به بهشت خداست. کسی که چنین کند، از مقربین درگاه خدا خواهد بود.» (ابن بابویه، ۳۷۸ق، ج ۲: ۱۶۵).

همچنین در خصوص آثار و اتفاق‌های پس از این واقعه از امام جواد (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «خداوند به دعای حضرت رضا (علیه السلام) در آن سرزمین برکت و نعمت را فراوان کرد.» (همان: ۳۸۹).

در تاریخ آمده است، کسانی اطراف مأمون بودند که خود را نامزد ولیعهدی می‌دانستند. قبل از ولیعهد شدن حضرت رضا (علیه السلام) حسودانی وجود داشتند که پیوسته بدگویی می‌کردند. یکی از آنها به مأمون گفت: یا امیرالمؤمنین، مبدا این شرافت و عظمت را از خاندان بنی عباس خارج کنی که کاری بی‌سابقه در میان خلفا خواهد شد و خلافت منتقل به اولاد علی شود که خود و خانواده‌ات را نابود کرده‌ای. این جادوگر جادوگرزاده را که در گوشه‌ای افتاده بود و کسی او را نمی‌شناخت آوردی و به این مقام رساندی و مشهورش کردی. از یاد رفته بود، به مردم او را معرفی کردی. دنیا را راجع به بارانی که در موقع دعای او آمد، پر از دروغ کرده است. من می‌ترسم خلافت را از خاندان عباسی خارج و به اولاد علی منتقل کند؛ یعنی تو را کنار زده و تکیه بر مقامت کند.

مأمون گفت این مرد با فاصله‌ای که از ما داشت مردم را به جانب خود دعوت می‌کرد. او را ولیعهد خود کردم تا مردم را به طرف من دعوت و به خلافت و زمامداری ما اعتراف کند. در ضمن کسانی که فریفته او شده‌اند، متوجه شوند که جز از آنچه آنها معتقد بوده‌اند، نیست و خلافت حق ماست. ترسیدم اگر به همان حال او را واگذارم ضرری متوجه ما کند که دیگر امکان جلوگیری آن نباشد و وقتی

متوجه شویم که قدرت دفاع نداشته باشیم.

مأمون ادامه داد: اکنون که او را به این مقام رسانده‌ایم و با این بزرگ کردن او، خود را به خطر انداخته‌ایم، صحیح نیست به او بی‌احترامی کنیم. باید کم‌کم از قدر مقامش بکاهیم تا مردم چنین بفهمند که او لیاقت این مقام را ندارد. سپس چاره‌ای بیندیشیم که به‌طور کلی خطر او را رفع کند.

آن مرد گفت: مجادله و جواب او را به من واگذار. من او و یارانش را مغلوب می‌کنم و قدر قیمتش را پایین می‌آورم. اگر از شما نمی‌ترسیدم، او را به مقام و منزلت خودش جای می‌دادم و به مردم می‌فهماندم که شایسته این مقام نیست.

مأمون گفت: چیزی در نظرم محبوب‌تر از این کار نیست. گفت پس در این صورت بزرگان کشور از فرماندهان و قاضیان و دانشمندان را جمع کن تا من نقص و ضعف او را در مقابل آنان ثابت کنم و از مرتبه‌ای که به او داده‌ای پایین بیاورم. با اینکه آنها خیال می‌کنند کار خوبی کرده‌ای.

مأمون دستور داد برجستگان کشور را در مجلس بزرگی دعوت کنند. حضرت رضا (علیه‌السلام) را نیز پهلوی خود نشاند. همان مرد که تصمیم داشت از مقام آن جناب بکاهد، ابتدا گفت: مردم از شما داستان‌ها نقل و در تمجید و توصیف شما مبالغه می‌کنند، به‌طوری که خود شما اگر مطلع شوید، از حرف‌های ایشان متنفر خواهید بود. اول موضوعی که حرف می‌زنند، همان باران آمدن است که به موقع خودش می‌آمد. شما دعا کردی؛ باران پس از دعای شما که آمد، این پیشامد را برای شما معجزه قرار داده‌اند که نظیری برای شما در دنیا نیست. این امیرالمؤمنین که اکنون حاضرند، اگر با هر کسی در دنیا مقایسه شوند، برتری دارند. ایشان شما را به این مقام امتیاز داد. اینک صحیح نیست اجازه دهی دروغ‌بافان این مطالب را که به امیرالمؤمنین کنایه و گوشه دارد، منتشر کنند.

حضرت رضا (علیه‌السلام) فرمود: «من نمی‌توانم جلوی مردم را بگیرم تا از

نعمت‌هایی که خداوند به من ارزانی داشته صحبت نکنند. اگر چه تصمیم اختلاف و شورش ندارم، اما درباره آنچه توضیح دادی که دوست تو مرا به این مقام رسانیده، باید گفت این مقامی که به من داده، شبیه مقامی است که پادشاه مصر به یوسف صدیق داد و خود از آن واقعه اطلاع داری.»

حاجب در این موقع عصبانی شد و گفت: پسر موسی! خیلی ادعای بزرگی می‌کنی و از حد خود پا را فراتر گذاشته‌ای. تو بارانی که خداوند به موقع و بدون تقدیم و تأخیر می‌فرستی، برای خود معجزه گرفته‌ای و این قدر بزرگ کرده‌ای مثل اینکه معجزه ابراهیم خلیل را انجام داده‌ای که سر مرغان را به دست گرفت و اعضای کوبیده شده و درهم آمیخته آنها را فرا خواند تا آمدند و بر سرها متصل شدند و باز زندگی از سر گرفته و به اجازه خدا به پرواز درآمدند. او با اشاره به نقش دو شیری که روبروی هم بر تخت مأمون کشیده بودند، ادامه داد: اگر در این ادعا صادق هستی، این دو شکل و صورت را زنده کن و بر من مسلط گردان. آن وقت معجزه و نشانه‌ای درست خواهد بود؛ اما نمی‌توانی ادعا کنی که بارانی که در موقع خود می‌آید، به دعای شما آمده است.

در این لحظه علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) خشمگین شده و فریاد زد: این مرد پست را بگیرید و پاره پاره کنید و اثری از او باقی نگذارید. در این موقع آن دو نقش تجسم پیدا کردند و دو شیر شدند. حاجب را با دندان‌های خود پاره پاره کردند و خوردند و خونس را از روی زمین لیسیدند. حاضران از آنچه می‌دیدند در حیرت و شگفت بودند. همین که از کار او فراغت حاصل کردند، به حضرت رضا (علیه السلام) و با اشاره به مأمون گفتند: یا ولی الله چه دستور می‌دهی؟ همین بلا را بر سر این دیگری نیز بیاوریم؟ مأمون از شنیدن این کلام بیهوش شد. حضرت رضا (علیه السلام) فرمود صبر کنید و بایستید.

دستور داد به سر و صورت او گلاب بپاشند تا به هوش بیاید. همین کار را کردند. باز دو شیر گفتند: اجازه می‌دهید این ظالم را هم به دوستش ملحق کنیم؟ فرمود: نه

خدا را درباره او تدبیری است که اجرا خواهد کرد. پرسیدند: پس ما را چه دستور می‌فرمایید؟ فرمود: برگردید به محل اول خودتان، همان طور که بودید. دو مرتبه برگشتند به پستی و دو نقش شدند.

مأمون گفت خدا را شکر که شرّ حمیدبن مهران را از سر من دفع کرد. منظورش همان کسی بود که شیرها او را پاره‌پاره کردند. بعد به امام(علیه‌السلام) گفت: این قدرت در اختیار جدتان پیغمبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله) بود و اینک در اختیار شماست. اگر بخواهی از خلافت به نفع شما کناره‌گیری می‌کنم. حضرت فرمود اگر خلافت را می‌خواستم با تو در این مورد مناظره نمی‌کردم و از تو درخواست نمی‌کردم. خداوند فرمانبرداری سایر مخلوقات را در اختیارم قرار داد، چنان‌که در مورد این دو نقش مشاهده کردی. مگر آدم‌های نادان که آنها اگرچه زیان می‌کنند، خداوند درباره آنها تدبیری دارد و به من دستور داده که با تو معارضه نکنم و هر چه انجام می‌دهم زیر نظر تو باشد. چنانچه یوسف صدیق مأمور بود زیر نظر فرعون مصر کار کند.

مأمون از آن پس پیوسته خوار و ذلیل بود تا بالاخره کار خود را نسبت به حضرت رضا(علیه‌السلام) انجام داد(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۷۰-۱۷۴).

چنان‌که از روایت فوق که هم شیخ صدوق در عیون و هم علامه مجلسی در بحار آورده است، برمی‌آید نماز باران امام رضا(علیه‌السلام) بر دشمنان اهل بیت(علیهم‌السلام) گران آمده بود و حتی پس از آن معجزه باران نیز دست از عداوت و دشمنی خود برداشته بودند. حقا که سزای چنین معاندانی دریده‌شدن توسط شیرانی بود که به امر ولی خدا تجسم پیدا کرده بودند.

۶. کارکردهای نماز باران در سیره رضوی

اگرچه اقامه نماز باران توسط امام رضا(علیه‌السلام) یک رویداد تاریخی است و شاید برخی تنها از جنبه تاریخی به آن بنگرند، اما با بررسی ابعاد مختلف این واقعه

تاریخی می‌توان درس‌های بسیاری از آن آموخت. نماز باران امام‌رضا(علیه‌السلام) دارای کارکردها و برکاتی بود که شاید چندان به آن توجه نشده است. برخی از این کارکردها در بستر تاریخی-تحلیلی قابل بررسی‌اند و برخی دیگر فراتر از زمان و مکان هستند و اگر قلب سلیمی، نیک در آن تأمل کند، نکته‌های سودمندی از آن دریافت خواهد کرد.

در شرایط فعلی نیز که کشور ما با بحران کم‌آبی مواجه است، توجه به این کارکردها می‌تواند منجر به بازنگری در رفتار و اعمال انسان‌ها شود. انسان‌ها با توجه به حقیقت نماز باران امام‌رضا(علیه‌السلام) متوجه مبدأ و مقصد هستی شده و درمی‌یابند که دست دیگری در کار است. این اراده الهی است که همه جا حضور دارد در حالی که آدمی در غفلت به سر می‌برده است.

۶-۱ کارکردهای سیاسی و اجتماعی نماز باران

۶-۱-۱ مبارزه فرهنگی با نظام طاغوت

در دوران ۲۵۰ ساله عصر ائمه(علیه‌السلام) به‌جز مدت کوتاه خلافت حضرت علی(علیه‌السلام) و امام‌حسن(علیه‌السلام) دیگر امامان همواره تحت فشار و اختناق بوده‌اند. امام‌رضا(علیه‌السلام) هم از این وضعیت مستثنا نبودند. مهاجرت اجباری آن حضرت از مدینه تا خراسان به دلیل آن بود که مأمون از نزدیک و بیشتر از قبل، ایشان را تحت نظر داشته باشد. در چنین شرایطی، تنها راه مبارزه با نظام غیرولایی حاکم بر جامعه مسلمانان، مبارزه فرهنگی بود. این مبارزه فرهنگی پس از قیام کربلا توسط امام سجاد(علیه‌السلام) آغاز شد و در عصر صادقین(علیهما‌السلام) به اوج خود رسید. حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(علیهما‌السلام) نیز به فراخور فرصت‌هایی که برای ایشان پیش می‌آمد، در این زمینه اقدام‌هایی داشتند تا افکار عمومی جامعه مسلمانان را بیدار کنند و آن را رشد دهند.

پیشنهادی که از سوی مأمون برای اقامه نماز باران داده شد، یکی از این فرصت‌ها بود که حضرت امام رضا (علیه السلام) ضمن ادای فریضه‌ای الهی، از آن برای مبارزه با نظام طاغوتی بنی عباس بهره برد. خیزش عمومی امام رضا (علیه السلام) به همراه مردم جهت اقامه نماز و نیز اجابت دعای آن حضرت در طلب باران، قلوب مردم را متوجه ایشان کرد و حقانیت بنی عباس را در خلافت و حکومت بر جامعه اسلامی زیر سؤال برد.

درباره سیره امام رضا (علیه السلام) در مبارزه فرهنگی، همین بس که وقتی از ایشان درباره علت نیامدن باران سؤال می‌شود، می‌فرمایند: «هرگاه حاکمان دروغ بگویند، باران نمی‌بارد.» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۵، ج ۳: ۲۸۶). آن حضرت با این بیان به‌نوعی اساس حکومت بنی عباس را بر پایه دروغ عنوان می‌دارد و مشروعیت خلافت مأمون را زیر سؤال می‌برد.

۶-۱-۲ خنثی شدن نقشه معاندان در تضعیف جایگاه سیاسی امام رضا (علیه السلام)

چنان‌که در تاریخ ذکر شده است، چه بسا هدف مأمون و اطرافیانش از فرستادن حضرت برای دعای باران این بود که ایشان پس از حضور در بیابان، به اتفاق انبوهی از مردم و دعا در پیشگاه الهی، دعایشان مستجاب نشود و آن حضرت را در میان عامه مردم تحقیر کنند. اما با استجاب دعای حضرت، موقعیت مأمون نیز تضعیف و این حادثه برای وی گران تمام شد.

۶-۱-۳ تثبیت جایگاه امام رضا (علیه السلام) به عنوان امام و رهبر معنوی مردم

به گواهی تاریخ، از زمان حضور امام رضا (علیه السلام) در خراسان، مأمون همواره تلاش داشت که به انحای مختلف جایگاه و شخصیت آن حضرت را در میان مردم

و خواص متزلزل سازد تا از این طریق جایگاه خود را مستحکم کند. نمونه بارز آن دعوت از علمای ادیان مختلف برای مناظره با امام(علیه السلام) با هدف تحقیر آن حضرت بود(رک: ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۵۴-۱۷۸؛ طبرسی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۸۱-۳۹۳). در قضیه نماز باران نیز هدف مأمون همین بود. اما ولایت معنوی امام(علیه السلام) خیل مردم را با خود به کوه و بیابان سوق داد و میزان محبوبیت و نفوذ معنوی آن حضرت پس از بارش باران بیشتر از قبل شد.

این واقعه سبب شد مردم امام رضا(علیه السلام) را که به صراحت مبانی امامت را تبیین و خود را امام معرفی کرده بود، تنها امام عصر واقعی بدانند و گرد ایشان حلقه بزنند و امام رضا(علیه السلام) را به عنوان رهبر معنوی خود برگزینند.

۱-۴-۶ ایجاد وحدت میان شیعیان با محوریت ولایت و امامت

دوران امام رضا(علیه السلام) از نظر کلامی و بروز انحراف و التقاط، دورانی پرچالش بود. از یک سو ورود فرهنگ بیگانه با نهضت ترجمه‌ای که از کشورهای روم، ایران و یونان که مهد فرهنگ آن زمان بودند و از سوی دیگر با ایجاد فرقه‌های جانبی و انحرافی مانند معتزله و واقفیه همراه بود. از طرفی، مأمون نیز با میدان دادن به جریان‌های فکری آن عصر، میان گروه‌های مختلف تفرقه ایجاد می‌کرد. در چنین شرایطی، اقامه نماز باران با حضور گروه‌های مختلف مردم موجب ایجاد وحدت بین صفوف مختلف مسلمانان به ویژه شیعیان با محوریت ولایت و امامت شد.

سیره امام رضا(علیه السلام) حاکی از آن است که همواره در تلاش بودند وحدت جامعه اسلامی حفظ شود. لذا، همواره اصحاب و یاران را به حفظ وحدت و یکرنگی توصیه می‌کردند. نمود عینی سیره را در فرمایش حضرت در توصیه به یاران خویش به خوبی می‌توان مشاهده کرد: «از تشّت و تفرقه و جدایی بپرهیزید، زیرا موجب رفتن همت و کم‌شدن ارزش و پایین آمدن قدر و منزلت شما می‌شود.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۵: ۵۱).

۱-۶ ایجاد نشاط اجتماعی

در کم‌آبی و خشکسالی همان‌گونه که طراوت از طبیعت رخت بر می‌بندد، روان انسان‌ها نیز ملول گشته و مردم دچار یأس و افسردگی می‌شوند. در چنین شرایطی، وقتی به امر الهی زمین خشک با نزولات جوی سیراب و نعمات و برکات بر مردم سرازیر می‌شود، نشاط و تحرک قابل توجهی در اجتماع مردم شکل می‌گیرد.

طبق نقل‌های تاریخی، در عصر امام‌رضا(علیه‌السلام) نیز وقتی نماز و دعای باران آن حضرت استجاب شد، شور و اشتیاق زایدالوصفی عموم مردم خراسان را فراگرفت و دیگر از آن خمودگی خبری نبود. همه این تحولات مرهون برکت دعای حضرت علی بن موسی‌الرضا(علیهماالسلام) بود.

۲-۶ کارکردهای تربیتی نماز باران

۱-۲-۶ نشر توحیدباوری و تقویت پایه‌های اعتقادی مردم

یکی از کارکردهای مهم تربیتی نماز باران در سیره امام‌رضا(علیه‌السلام) توجه به مبدأ هستی است. انسانی که در کشاکش روزگار و در پیچ‌وخم زندگی مادی اصل و مبدأ وجودی خویش را فراموش می‌کند، با صحنه نمایش شکوهمند نماز باران تلنگری دریافت می‌کند؛ به خود می‌آید و در درون خود درباره آنچه رخ داده، اندیشه می‌کند. اینکه از کجا آمده است و به کجا خواهد رفت. اینکه چگونه نماز باران که به جماعت اقامه می‌شود، می‌تواند در نظام طبیعت دگرگونی ایجاد کند. بی‌شک آدمی در این جایگاه متوجه وجود نظام توحیدی آفرینش خواهد شد. آری، خدایی که تمامی امور در دست اوست، با تغییر در تقدیرش نزول باران رحمت را به انسان ارزانی می‌دارد.

بارش باران پس از نماز باران امام‌رضا(علیه‌السلام) علاوه بر اینکه پایه‌های ایمان

توحیدی مردم آن زمان را تقویت کرد، برای مردم زمان‌ها و اعصار بعد نیز می‌تواند مایه تدبّر و تفکر باشد تا بیش از پیش نگاه توحیدی را در زندگی‌شان تسری بدهند و اراده خداوند را در تمامی احوال و زمان‌ها در جریان بدانند زیرا مسبب‌الاسباب تنها اوست. از حضرت امام‌رضا(علیه‌السلام) نقل شده است که فرمود: «هیچ حادثه‌ای رخ نمی‌دهد مگر آنچه خدا خواسته باشد و اراده کرده باشد، و تقدیر کرده، قضایش را رانده باشد.» (برقی، ۱۴۱۶ق: ۲۴۴).

از سویی می‌توان گفت که هدف اصلی از نماز باران، صرفاً طلب باران نیست بلکه چنین آیینی با آن کیفیت در جهت هدایت انسان و بازگرداندن او به سوی هدف اصلی و اساسی خلقت وضع شده است؛ به این مفهوم که آنچه طلب می‌شود، فقط آب مادی نیست، بلکه آن مایه حیات معنوی است که سبب تطهیر روح و جلای قلوب می‌شود.

۲-۲-۶ توبه و انابه دسته‌جمعی

نماز باران در حقیقت توبه و انابه‌ای دسته‌جمعی و گروهی است. وقتی همه اقشار مردم در بیابانی گرد هم می‌آیند و از شهر و همه تعلقاتش رویگردان می‌شوند؛ وقتی زن و مرد، بزرگ و کوچک، فقیر و غنی در کنار هم قرار می‌گیرند، و با تضرع و استغفار طلب باران می‌کنند، زمینه استجابت دعا بیشتر فراهم می‌شود.

در دین جهان‌شمولی چون اسلام که بر طبق آیات قرآن و روایات و احادیث، ارتکاب بشر به گناहانی که در جامعه نمود عام دارد و موجبات انحطاط و فساد امت‌ها را فراهم می‌کند و نیز بی‌توجهی و بی‌اهمیتی به گسترش آن‌ها، خشم و عذاب دنیوی خداوند را در قالب بلایایی طبیعی چون سیل و طوفان و زلزله و خشکسالی و صاعقه به دنبال دارد، آئین‌هایی چون نماز باران نمود بسیار پررنگی دارد که به‌نوعی طلب مغفرت به درگاه خداوند بردن و توبه‌کردن از گناه شمرده می‌شود تا به موجب آن،

این مصداق رحمت خداوند بار دیگر جاری شود. قرآن کریم نیز از جمله علل و عواملی که به عنوان عامل مهم خشکسالی و قحطی بیان می کند، گناهان و خروج ملت و جامعه ای از آموزه های وحیانی و تجاوز از حدود الهی است.

خداوند در آیه ۵۲ و ۵۳ سوره هود این علت را مطرح می سازد. از این روست که از زبان پیامبران قوم از ایشان می خواهد تا از گناهان خویش استغفار کنند و با بازگشت و توبه به سوی خدا، از شرّ بلای به ظاهر طبیعی خشکسالی بربهند.

طبق بیان حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ۱۴۳ نهج البلاغه، اصل امتناع نزول برکات مسئله آزمایش کردن بندگان است. خداوند می خواهد بندگان متنبه شوند و با چشمانی باز به سوی حقیقت بازگردند. در واقع، نماز باران پلی است که انسان رفته به آن سوی دیوار گناه، به وسیله آن به سرزمین توحید و هدایت بازمی گردد.

۳-۲-۶ ایجاد روحیه خودباوری

در عصر حاضر که پیشرفت های علمی و صنعتی دنیای غرب روز به روز گسترش پیدا می کند، ممکن است برخی از مسلمانان در مقابل این جریان پر زرق و برق احساس خودباختگی کنند. حال اگر مسلمانان حقیقت اسلام را به معنای واقعی درک کنند، به هیچ صورتی در مقابل تمدن غرب، با تمام رنگ و لعابش احساس خودباختگی نخواهند داشت.

یکی از زمینه های درک حقیقت اسلام همین نماز باران است که به ما قدرت لایزال الهی و ارتباط با آن را نشان می دهد. انسان مرتبط با چنین قدرتی را دیگر چه نیاز و خودباختگی در برابر غرب؟ قدرتی که در گرفتاری خشکسالی و در موقعی که انسان مادی با تمام امکاناتش عاجز شده است، به فریاد انسان ها می رسد.

چنین قدرتی برتر از هر تمدن و پیشرفت علمی است و ایمان به چنین قدرتی در

بستر تفکر و تأمل در فلسفه و فرایند اقامه نماز باران، زمینه‌ساز روحیه خودباوری در جامعه اسلامی خواهد بود.

۴-۲-۶ توجه به معنویت

نماز باران زمانی اقامه می‌شود که مردم با کم‌آبی شدید مواجه هستند و دیگر هیچ کاری از انسان‌ها ساخته نیست. البته، اگر قبل از مواجهه شدید با کم‌آبی از باب «علاج واقع را قبل از وقوع باید کرد» مردم نماز باران بخوانند، جا دارد و مستحب است.

در این شرایط تنها یک راه برای انسان باقی می‌ماند و آن توسل جستن به اصل و منبع فیض و رحمت است. در موقعی که امید انسان از هر راه و عملی قطع شده و از دست او کاری بر نمی‌آید، وقتی که انسان با تمام دانش و تجربه، خود را ضعیف و ناتوان حس می‌کند و آفریننده را در برابر خود با تمام عظمت و شکوه درمی‌یابد، در این موقع انسان درمانده از کار، جوششی درون خود احساس می‌کند.

با تأمل در کیفیت برگزاری نماز باران توسط امام رضا (علیه السلام) درمی‌یابیم که برگزاری چنین نمازی تجلی همان چشمه معنوی درون انسان است که به سوی منبع و مبدأ خود، رهسپار می‌شود. در سرتاسر اعمال نماز باران و به خصوص در فریادهای همگانی که ذکرهای «الله اکبر»، «الحمد لله»، «سبحان الله» و «لا اله الا الله» سر داده می‌شود، هر فرد شرکت کننده از آن فردیت خاکی خود جدا شده و خود را قطره‌ای از سیل خروشان مردم می‌بیند.

جداشدن از خود آن هم در پیشگاه خداوند متعال، از آثار بزرگ معنوی نماز باران است. در واقع، نماز باران فرصتی استثنایی است برای بزرگ‌ترین تجربه‌های معنوی انسان تا معرفت روحی‌اش گسترش یابد.

۵-۲-۶ ایجاد گرایش عمومی به دین

در روایتی از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است: «إِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» (اگر مردم از زیبایی‌های کلام ما آگاه می‌شدند، بی‌تردید از ما پیروی می‌کردند) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۰).

از این روایت به‌خوبی فهمیده می‌شود که علت اصلی اطاعت‌نکردن مردم از سیره پیشوایان دینی ما، کم‌اطلاعی آنهاست. اگر حقیقت دین به‌درستی به دست مردم برسد، بی‌شک به معارف عالیّه آن گرایش پیدا می‌کنند.

یکی از بهترین ابزارها برای شناساندن این دین به دیگر ملت‌ها و انسان‌ها، نماز باران است. این نماز می‌تواند در تبلیغ دین به‌طرز معجزه‌آسایی نقش‌آفرین باشد به‌گونه‌ای که اگر کسی زمینه پذیرش داشته باشد، به دین راستین گرایش پیدا می‌کند.

بنابراین، نماز باران مناسب‌ترین ابزار برای معرفی حقانیت دین اسلام و جاذبه‌های آن به دیگران است. این سخن گزافی نیست و تاریخ نه‌چندان دور ما شاهد راستینی بر آن است. در زمان جنگ جهانی دوم، پس از آنکه آیت‌الله خوانساری (ره) نماز باران به‌جای آورد و اثر چشمگیر آن بر همگان عیان شد، فرماندهان نیروهای متفقین مستقر در حوالی قم پس از شنیدن خبر، از معظم‌له درخواست می‌کنند که برای پایان جنگ دعا کند تا آن‌ها به سلامتی به وطن خود بازگردند (شریف رازی، ۱۳۳۲: ۱۴۳-۱۴۸).

این جریان حاکی از آن است که در آن شرایط، نماز باران، آن گروه غیرمسلمان را نسبت به حقانیت اسلام معترف ساخته است.

۶-۲-۶ اثبات جامعیت دین در افکار عمومی

دین اسلام پاسخگوی تمام نیازهای انسان تا پایان عمر جهان است. این ادعا با تأمل و تفکر در احکام اسلامی روشن می‌شود. نماز باران نیز شاهی است بر این مدعا. با تأمل درباره نماز باران، به راحتی درمی‌یابیم که این دین حاوی نکات ظریف حیات انسان است. خداوندی که برای مسئله‌ای چون خشکسالی که ممکن است حتی در تمام طول عمر یک انسان هم پیش نیاید، حکم و فرمانی وضع کرده است، چگونه نیازهای مبرم و مورد ابتلای انسان‌ها را فراموش می‌کند؟

بنابراین، از چگونگی و کیفیت نماز باران می‌توان معرفت و بینش روشنی نسبت به اسلام پیدا کرد و در حقیقت آن را به عنوان کامل‌ترین دین الهی بیابیم. بی‌تردید، چنین کارکردهایی درباره نماز باران در عصر امام رضا (علیه السلام) نیز وجود داشته است و اذهان و افکار عمومی از آن طریق بیشتر متوجه حقانیت و جامعیت دین اسلام شدند.

نتیجه‌گیری

۱. طلب باران و انجام مراسم برای آن تنها مختص دین اسلام نبوده و امری است که قبل از ظهور اسلام و در میان ملل و ادیان مختلف، مورد توجه بوده است.

۲. در شرایطی که جامعه ما با مشکل کمبود آب و خشکسالی مواجه شده است، توجه به این فریضه و سنت نبوی که در عصر ائمه (علیه السلام) نیز شواهدی بر اقامه آن وجود دارد، ضروری است.

۳. یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخی دوران زندگی امام رضا (علیه السلام) اقامه نماز باران توسط آن حضرت است که با حضور جمعیت زیادی از مردم برگزار شد و در مدت کوتاهی مردم شاهد بارش باران رحمت الهی شدند. این واقعه از جهات مختلف

قابل بررسی است؛ هم از بُعد تاریخی و هم از جهت الگوگیری روشمند از سیره پرفروغ حضرت علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) می تواند راهگشای بسیاری از مسائل مورد ابتلای جامعه اسلامی باشد.

۴. پس از بررسی و مذاقه در سیره امام رضا (علیه السلام) مشخص شد که اقامه نماز باران توسط آن حضرت دارای کارکردهای قابل توجهی است. مبارزه فرهنگی با نظام طاغوت، خنثی شدن نقشه معاندان در تضعیف جایگاه سیاسی امام رضا (علیه السلام)، تثبیت جایگاه امام رضا (علیه السلام) به عنوان امام و رهبر معنوی مردم، ایجاد وحدت میان شیعیان با محوریت ولایت و امامت و ایجاد نشاط اجتماعی، از جمله کارکردهای سیاسی و اجتماعی نماز باران در سیره آن حضرت است.

۵. کارکردهای تربیتی نماز باران در سیره امام رضا (علیه السلام) نیز شامل نشر توحیدباوری و تقویت پایه های اعتقادی مردم، توبه و انابه دسته جمعی، ایجاد روحیه خودباوری، توجه به معنویت، ایجاد گرایش عمومی به دین و اثبات جامعیت دین در افکار عمومی است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد. (۱۳۸۶). شرح نهج البلاغه. چاپ دوم. بیروت: دارالاحیاء الکتب.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. محقق و مصحح: علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۳۷۸ ق). عیون أخبار الرضا علیه السلام. محقق و مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
- ابن کلبی، هشام بن محمد. (۱۳۴۸). الاصابه. مترجم: محمدرضا جلالی نائینی، تهران: سخن.
- ابن فارس، ابی الحسن احمد. (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم جمال الدین. (۱۳۶۳). لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۴۱۶ ق). المحاسن. تحقیق: سید مهدی رجایی. قم: المجمع العالمی لاهل البيت.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۶۳). آثار الباقیه. مترجم: اکبر داناسرشت، تهران: امیرکبیر.
- جزیری، عبدالرحمن. (۱۴۱۹ ق). الفقه علی المذاهب الاربعه. بیروت: دارالتقلید.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. مصحح و حاشیه نویس: عبدالرحیم ربانی شیرازی. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۰۰ ق). تذکره الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن. تحقیق: صفوان عدنان داودی. دمشق: دارالعلم الدار الشامیه.
- رسولی محلاتی، سید هاشم. (۱۳۹۲). زندگانی حضرت محمد (صلی الله علیه وآله). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شریف رازی، محمد. (۱۳۳۲). آثار الحجّه. قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالکتب.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹). ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الإسلام). تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام.
- شریف، عدنان. (۱۹۹۰ م). من علوم الأرض القرآنیة. بیروت: دارالعلم للملایین.
- طباطبائی یزدی، محمد کاظم. (۱۴۱۷ ق). العروة الوثقی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۳۸۱). احتجاج. مترجم: بهراد جعفری. تهران: اسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۵۳). تاریخ بلعمی. به کوشش: محمد تقی بهار و محمد پروین گنابادی. تهران: زوآر.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ق). تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- فاضل، جواد. (۱۳۵۳). ترجمه صحیفه کامله سجّادیّه. تهران: امیرکبیر.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۹۹۷ م). التفسیر الکبیر. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۵). میزان الحکمه. قم: دارالحديث.
- محمودی، محمدباقر. (۱۴۱۸ق). نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه. تصحيح: عزيز آل طالب. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸ق). سیری در سیره نبوی. تهران: صدرا.
- موسوی خمینی، سیدروح الله. (۱۳۹۰ق). تحریرالوسیله. نجف: مطبعة الآداب.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۳۲ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- نوری، یحیی. (۱۳۴۶). اسلام و عقاید و آراء بشری. تهران: مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی.
- نویری، شهاب الدین احمد (۱۳۸۹). نهاییه الارب فی فنون الادب. مترجم: محمود مهدوی دامغانی. تهران: امیرکبیر.